

روزنامہ

خاطرات ناصر الدین شاہ

در سفر سوم فرنگستان

بہ کوشش:

دکتر محمد اسماعیل رضوانی۔ فاطمہ فاضلہ

فهرست مندرجات

مقدمه (۷-۱۴)

متن سفرنامه (۱۷-۲۸۹)

ضمائم

- ۱- فهرست اشیاء خریداری شده (۲۹۳-۳۴۰)
- ۲- شرح حال نامدارانی که همراه شاه بوده‌اند یا به مناسبت
ذکری از آنان شده است (۳۸۶-۳۴۳)
- ۳- نمونه دستخط‌ها و اسناد (۴۷۳-۳۸۹)
- ۴- فهرست اعلام (۵۱۱-۴۷۵)

بسمه تعالی

مقدمه

ناصرالدین شاه از فرمانروایان معدودی است که به هر سفری رفته است سفرنامه نوشته است، اگرچه هنوز سفرنامه‌های او با سفرنامه‌های سیاحان معروف جهان مقایسه نشده است اما اگر روزی چنین مقایسه‌ای انجام گیرد گمان نمی‌رود از بسیاری از سفرنامه‌نویسان عقب بماند و نوشته‌های او چه از نظر کمیت و چه کیفیت فروتر از سفرنامه‌های دیگران باشد، اما نکته‌ای که باید به آن توجه داشته باشیم این است که ناصرالدین شاه منحصرأ قصد سفرنامه‌نویسی نداشته است وی علاقه وافری داشته است که زندگانی خود را روز به روز یادداشت کند و چون قسمتی از خاطرات روزانه او مصادف با سفرهای متعدد داخلی و خارجی او شده است این قسمت از خاطرات یعنی یادداشت‌هایی که در روزهای سفر انجام یافته نام سفرنامه به خود گرفته است. به گفته مسعود میرزا ظل السلطان: «قوت قلم غریبی داشتند شاید پنج جلد به قطر روضه الصفا به خط مبارک خودشان جزئیات زندگانی خود را چه رسمی و چه غیررسمی مرقوم فرموده‌اند چه به خط فرانسه و چه به خط ایران. چندین سفرنامه بقدر ده جلد تاریخ رسمی خودشان را به خط مبارک خودشان نوشته‌اند»^۱ برخلاف گفته ظل السلطان این یادداشت‌ها در تمام مجلدات به خط خود ناصرالدین شاه نیست و نمی‌تواند باشد معذالک سلسله خاطرات او که در سال‌های سفر اول و دوم او به اروپا انجام گرفته است بیشتر به خط

۱. «تاریخ سرگذشت مسعودی» ص ۱۹۲ س ۵.

اوست، این سلسله خاطرات در دو جلد در سازمان اسناد ملی ایران موجود است که خود نام «کتابچه» یا «روزنامه» بر آن نهاده است. اما یادداشت‌های مربوط به سفر سوم را در هر فصل به خط خود آغاز می‌کرده چند سطری می‌نوشته آنگاه به تقریر خاطرات می‌پرداخته و منشیان خوشنویس متعدد او، با سواد و کم سواد نوبت به نوبت تقریرات او را تحریر می‌کرده‌اند.

خودش با خط خود منظره جالبی را از نحوه تحریر خاطرات در آغاز همین «کتابچه» یا همین «روزنامه» که در دست خواننده گرامی است ارائه داده است:

«امشب که شب ۱۴ شهر رجب [۱۳۰۶] است یکساعت و چیزی بالا از شب رفته است و سه روز به عید نوروز یعنی تحویل حمل مانده است و اواخر حوت است. در اطاق تالار برلیان این کتابچه را به دست گرفته شروع کردیم، انشاءالله تعالی به خواست خدا و توجه ائمه هدی این روزنامه هم در نهایت خوبی و خرمی به سلامتی دوستان و محبان و خودمان به انجام می‌رسانیم. باشی قلمدان نگاهداشته است — اکبری لاله — امین خلوت کتابچه روزنامه کهنه در دست و مستعد نوشتن این کتابچه — اعتمادالسلطنه روزنامه فرنگی در دست منتظر خواندن و میرزا محمد خان برای اولاله نگاهداشتن — مجدالدوله، ابوالحسن خان، مردک، محمدعلی خان، محمدحسن میرزا، ادیب، جوجه، کریمخان، آقاداتی، تقی خان آب در دست ایستاده».

نویسندگان

مهمترین نویسندگان یا صحیح‌تر محررین این خاطرات نخست امین خلوت بوده که قسمت عمده سفرنامه را تحریر کرده است. امین خلوت سعی داشته است خط مخدوم خود را تقلید کند و شبیه ناصرالدین شاه بنویسد اما خط او در عین شباهت زیباتر از خط شاه است و خواندن آن نیز آسان‌تر است.

محرر دیگر ناصرالملک بوده است که قسمت عمده آخر کتاب به خط او است در میان این دو محرر عمده محررین دیگر عبارتند از خود شاه که هر بار بیش از چند سطر یا حداکثر یکی دو صفحه تحریر نمی‌کرده است بعد

فخرالدوله دختر باسواد و هنرمند و ناکام او^۱، محرر دیگر ابوالحسن خان و پس از او محمد باقرخان ادیب‌الملک بوده است.

بسیار اتفاق افتاده است که یک صفحه را دو محرر نوشته است یا دو صفحه را محرری تحریر کرده سپس قلم را به دست دیگری داده و یک یا دو صفحه بعد باز خود شروع به تحریر کرده است. در بعضی از صفحه‌ها یک یا دو سطر خود شاه نوشته سپس امین خلوت یک صفحه را تحریر کرده است به دنبال آن فخرالدوله قلم را در دست گرفته دو سه صفحه‌ای نوشته است آنگاه باز امین خلوت و بعد ابوالحسن خان، آخرین محرر در کتاب حاضر ناصرالملک است که به تحریر پرداخته است.^۳

ساعات خاطره‌نویسی

ناصرالدین شاه خاطرات خود را در ساعت معین یا روز معین تقریر نمی‌کرده است زیرا برنامه کارهای روزانه او بخصوص در ماههای مسافرت آنهم مسافرت به خارج چنان فشرده بوده است که گاهی چندین روز فرصت انجام این کار را پیدا نمی‌کرده است. چه بسا که کار خاطره‌نویسی هرچند روز یکبار انجام می‌گرفته است بدین معنی که هر وقت فراغتی حاصل می‌کرده است خاطرات چند روزه خود را به ترتیب تاریخ تقریر می‌نموده است. شگفت اینکه گاهی خاطرات خود را قبل از وقوع واقعه بیان می‌داشته مثلاً هنگام توقف در مسکو یک روز برنامه کار این بوده است که ابتدا برود عکس بیندازد سپس از موزه دیدن کند اما قبل از اینکه هردو کار انجام گیرد نوشته است «نماز خوانده در کرملین بعد عکس انداخته از آنجا رفتیم به موزه گردش کردیم» و از همه جالب‌تر و مضحک‌تر اینکه خودش هم به این نوع خاطره‌نویسی اعتراف کرده است. بهتر است که قلم را به دست خود او بدهیم. خودش در خاطرات روز چهارشنبه ۲۱ رمضان ۱۳۰۶ می‌نویسد:

«نماز خوانده در کرملین، بعد عکس انداخته، از آنجا رفتیم به موزه گردش کردیم اما حالا که این روزنامه را ابوالحسن خان می‌نویسد هنوز نه عکس انداخته‌ایم نه موزه رفته‌ایم از بس فرصت نداریم مساعده روزنامه را

۲. ر. ک. به تعلیقات.

۳. نمونه خطوط در تعلیقات کلیشه شده است.

می نویسیم شاید یا هیچ عکس هم نیندازیم یا موزه را هم نه بینیم قبل از وقت است که این روزنامه نوشته می شود. بالاخره برخاسته به موزه رفتیم.^۴»

آنچه مایه خوشحالی است این است که با تمام این گرفتاریها در هرحالی که بوده است کار خاطره نویسی را متوقف نکرده نوشته هائی شیرین و دلپذیر و خواندنی و ماندنی برای ما باقی گذاشته است این نوع اعترافات کمال علاقه او را به صحیح نویسی و راست گوئی بیان می دارد.

سخنی چند درباره کتاب حاضر

قسمت عمده مطالب این جلد یادداشت هائی است که در طی سفر سوم او به اروپا تحریر شده است. سفر سوم ناصرالدین شاه از ظهر روز شنبه دوازدهم شعبان ۱۳۰۶ ه.ق آغاز شده است وی در این روز و در این ساعت از باغ بعثت آباد به باغ شاه رفته و نهار را در آنجا خورده سپس به راه افتاده اما یادداشت ها، از روز شنبه ۱۳ رجب تقریباً یک ماه قبل از سفر آغاز می شود. خود او این سلسله یادداشت ها را به سه قسمت تقسیم کرده هریک را «کتاب» نامیده است، کتاب اول - کتاب ثانی - کتاب ثالث.

کتابی که اکنون در دست خواننده گرامی قرار دارد کتاب اول است این کتاب در اصل شامل ۲۴۵ صفحه است که از تاریخ مذکور (۱۳ رجب) آغاز می شود و به یکشنبه بیست و سوم شوال ۱۳۰۶ (از طهران الی شهر آنورس) پایان می یابد.

«کتاب ثانی» که به توفیق الهی و به مدد ذات پاک او به دنبال این کتاب در دست خواننده قرار خواهد گرفت از دوشنبه بیست و چهارم شهر شوال آغاز می شود و به دوشنبه ۲۸ ذی حجه ۱۳۰۶ از (آنورس الی شهر بوداپست) پایان می یابد و در متن اصلی شامل ۳۰۷ صفحه می شود.

«کتاب ثالث» که باز باید به مدد خداوند تبارک و تعالی به خوانندگان تقدیم گردد از ۲۹ ذیحجه (سه شنبه اودئیل هفتم سنبله) از شهر بوداپست آغاز می شود و به روز پنجشنبه ۱۷ صفر ۱۳۰۸ پایان می یابد و شامل دو قسمت است قسمت اول از ۲۹ ذیحجه از شهر بوداپست تا یکشنبه ۲۴ صفر ۱۳۰۷ است که وارد تهران می شود، قسمت دوم ادامه یادداشت ها است که تا روز

۴. رجوع شود به ص ۱۳۸.

پنجشنبه ۱۷ صفر ۱۳۰۸ ادامه می‌یابد، کتاب ثالث شامل ۳۱۳ صفحه است، بنابراین حجم کتاب دوم و سوم تقریباً مساوی است و از جلد اول قطورتر خواهد شد.

مشکلات

چنانکه قبلاً یادآوری کردیم محررین شاه متعدد بوده‌اند و از نظر سواد و علم و اطلاع با یک دیگر تفاوت داشته‌اند، بنابراین گاهی اعلام جغرافیائی و تاریخی و کلمات فارسی را غلط نوشته‌اند، از همه مهمتر این که کلماتی را که از زبان‌های اروپائی به تازگی به زبان فارسی راه یافته بود به صورت مختلف تحریر کرده‌اند، در یک جا «گلیوم» و در جای دیگر «گیوم» در یک جا تاتر و جاهای دیگر «تیاتر – طیاطر – تیاطر» در یک جا «طراموای» و در جای دیگر «طرموی»، یک جا شلکنف آمده جای دیگر شلیکونوف – جائی پاپف و جای دیگر پوپوف، جائی مدموزل، جائی مادمازل و جائی مادموزل و بر همین قیاس. تا آن جا که امکان داشت رسم الخط کلمات اروپائی را به همان صورت هائی که در متن آمده حفظ کردیم تا نمایانگر سرگردانی‌های دولت مردان در تلفظ کلمات تازه وارد باشد اما کلمات فارسی را که به علت سهویا مسامحه یا بیسوادی غلط تحریر شده تصحیح کردیم و از نظر حفظ امانت صورت اصلی کلمه را که در متن آمده بود ذیل صفحه یادآوری نمودیم که نمایانگر میزان سواد محررین باشد اما برای اینکه این کار تکرار نشود یک بار به یادآوری اکتفا کردیم.

ناصرالدین شاه افعال مضارع را در باره خودش بیشتر اوقات بصورت جمع آورده گاهی هم بصورت مفرد مثلاً «کتابچه را به دست گرفته شروع کردیم انشاءالله تعالی به انجام می‌رسانم».

چنین بنظر می‌رسد که منشیان عبارات را همانطور که از دهان شاه بیرون می‌آمده می‌نوشته‌اند مثلاً «صبح برخاسته رخت پوشیده آمدیم بیرون آمدیم، که فعل «آمدیم» تکرار شده، بنابراین اگر خوانندگان گرامی به این نوع مشکلات برخورد کنند گمان نکنند که در بازنویسی متن یا در تصحیح مطبوعه‌ای کوتاهی شده است.

اصولاً در نوشته‌های ناصرالدین شاه و عبارات او سکتته‌هائی وجود دارد

که ما حتی الامکان با آوردن حروف یا کلماتی در داخل قلاب آن سکتته را برطرف کردیم مگر در مواردی که فقط یک واو عطف لازم بوده است.

کاری که از آن غفلت نکردیم این است که هر جا در متن اصلی صفحه به پایان می‌رسید شماره صفحه را در داخل سطر در وسط قلاب جای دادیم مثلاً عدد [۲۵] نشان می‌دهد که در این جا ص ۲۵ متن اصلی به پایان رسیده است. بنابراین اگر محقق در کار تحقیق خود در جایی تردیدی پیدا کرد می‌تواند به سازمان اسناد مراجعه فرماید. مسئول اسناد صفحه‌ای را که در آن تردید پیدا شده به سرعت نشان خواهد داد و تردید را برطرف خواهد کرد.

بعضی از زیر نویس‌ها برای محققین و دانشمندان در حکم توضیح واضح است این نوع زیر نویس‌ها بخاطر خوانندگان نوسواد آورده شده است.

مشکل عمده ما قرائت متن بود که گاهی برای قرائت یک کلمه ساعت‌ها معطل می‌ماندیم اما به همان نسبت که کار پیش‌تر می‌رفت اطلاعات ما فزون‌تر و تسلط ما بر متن بیشتر و پیشرفت ما سریع‌تر می‌شد تا آن‌جا که در پایان کار تقریباً کلمه‌ای ناخوانا نماند، جاهائی که در متن نقطه‌گذاری شده است جاهائی است که ناصرالدین شاه عبارات زننده و رکیکی بر زبان رانده است که عفت قلم اجازه درج آنها را به ما نمی‌داد.

مشکل مهم ما قرائت فهرست اشیائی بود که در فرنگستان خریداری شده یا پیش‌کش شده است، متأسفانه چند کلمه را نتوانستیم بخوانیم ناچار بجای آنها نقطه گذاشتیم که این نقص جزئی به اصل معنی و مفهوم لطمه‌ای نمی‌زند.

خاطرات ناصرالدین شاه در طی سال‌ها و قرن‌ها مکرر چاپ خواهد شد و سهوهائی که ما کرده‌ایم مرتفع خواهد گردید.

موفقیت‌ها

از موفقیت‌هائی که در بررسی و تکمیل و تصحیح این جلد نصیب ما شد این بود که یکی از همراهان بنام «احمدخان» که شرح حال او در تعلیقات آمده است^۵ تمام یا قسمتی از دستخط‌های شاه و اشعار و نوشته‌های متفرقه و نامه‌هائی که بانوان حرم به او می‌نوشته‌اند و تعدادی از نقاشی‌های

۵. رجوع شود به تعلیقات ذیل نام احمد

مضحک ملیجک و گزارشهایی که از اوضاع تهران و مملکت توسط کامران میرزا و دیگر مسئولان پی در پی و بدون وقفه به شاه داده می شده و امثال آنها را به دقت جمع آوری نموده و در پایان سفر در دو جلد که با مخمل سبز تجلید کرده است به او تقدیم نموده است زیرا در این سفر و در سایر سفرها ارتباط او با پای تخت قطع نمی شد و مسئولین مختلف اوضاع حوزه مسئولیتی خودشان را برای وی می فرستاده اند و او همه را می خواند و در حاشیه آنها دستوراتی می نوشت. ما به کمک این دو جلد توانستیم نقایص متن را برطرف سازیم مثلاً در تحریر خاطره های شاه در وصف مهمانیها و ضیافت های رسمی جای اسامی مدعوین خالی مانده بود و ما به کمک این مجموعه نفیس نام مدعوین را در تعلیقات با کلیشه کردن متن اصلی آوردیم و جاهای خالی را در واقع پر کردیم زیرا احمدخان مذکور به موازات جمع آوری نوشته ها و گزارش ها اوراق و نوشته ها و برنامه هایی که در ضیافت های رسمی به دست مدعوین داده می شده است جمع آوری کرده و در این مجموعه گنجانیده است. این مجموعه نفیس نیز به توفیق الهی و با دلسوزی مسئولین سازمان اسناد که در راه انجام این خدمات نهایت دلسوزی را دارند باید هرچه زودتر به همان صورت اصلی چاپ و به بازار تاریخ و تحقیق عرضه گردد.

از موفقیت های دیگر اینکه تا آن جا که امکان داشته است افرادی که در متن کتاب به مناسبتی نام آنان آمده است در پایان کتاب و در تعلیقات معرفی شده اند اعم از اشخاص نامدار مانند مسعود میرزا ظل السلطان و غیر مشهور مانند «چرتی» بجز افرادی که خود شاه در متن سفرنامه آنان را شناسانده است مانند «عباس» که خود شاه نوشته است «عباس برادر چرتی»^۶ یا «محمدحسن خان برادر انیس الدوله»^۷ و چون ما چرتی را شناسانده ایم به معرفی عباس نیازی ندیده ایم. محمدحسن خان نیز نیازی به معرفی ندارد.

نکته مهمی که باید در اینجا یادآوری شود این است که تاکنون خاطراتی را که در سفرها نگاشته تحت عنوان سفرنامه مکرر به چاپ رسیده است تنها بعضی از خاطرات شکارهای او چاپ نشده است. اما چاپ کنندگان در عبارات دست کاری هایی روا داشته اند درحالی که این دست کاری ها در

۶. ر.ک. ص ۲۴.

۷. ر.ک. ص ۳۸.

بسیاری از موارد ضرورتی نداشته است، حتی نخستین چاپی که از سفرنامه ناصرالدین شاه به اروپا در سال ۱۲۹۰ در هندوستان در شهر بمبئی در سال ۱۲۹۳ یعنی سه سال بعد از سفر انجام گرفته است با متن مطابقت نیست. با اینکه مرحوم حاج شیخ عبدالوهاب شیرازی که به اصطلاح خودش مدعی است «از روی چهارپایه دستخطی خود مبارک اعلیحضرت شاهنشاه طابقت النعل بالنعل چاپ شده» عبارات آن با متن اصلی یعنی اصل نسخه ای که در سازمان اسناد ملی ایران موجود است متفاوت است، مثلاً صفحه اول سفرنامه به خط خود ناصرالدین شاه چنین آغاز می شود:

«روزنامه سفر فرنگستان است که به مبارکی و میمنت و صحت مزاج انشاءالله تعالی بخواست خداوند بی همتا و بخشنده مهربان می نویسم».

در چاپ بمبئی چنین است :

«روزنامه سفر فرنگستان است که به میمنت و مبارکی به خواست خداوند تعالی و قادر بی همتا بخشنده مهربان به شرط سلامت مزاج می نویسم».

یعنی در همین عبارات کوتاه «به مبارکی و میمنت» شده است «به میمنت و مبارکی» «صحت مزاج» شده است «به شرط سلامت مزاج» و «انشاءالله تعالی بخواست خداوند بی همتا» شده است «بخواست خداوند تعالی و قادر بی همتا» و بر همین قیاس .

بنابراین چاپ هائی که از سفرنامه ها شده است قابل اعتماد نیست و باید از نو منطبق با متن اصلی دوباره چاپ شود و هر عملی جز این بیهوده است. به هر حال پروردگار را ستایش می کنیم و مراتب شکرگذاری را به درگاه خداوند بی نیاز بنده نواز بجا می آوریم که به ما در انجام این کار توفیق عنایت کرد که یکی از مجلدات مهم خاطرات ناصرالدین شاه را به بازار تاریخ و تحقیق عرضه کردیم بدون تردید کار ما بدون نقص نخواهد بود زیرا ما همه چیز را نمی دانیم «همه چیز همگان دانند».

در پایان از همکاری های بی دریغ مسئولین و محققین سازمان اسناد بخصوص از آقای پرویز بدیعی که اعداد سیاق را خوانده اند سپاسگزاری می کنیم.

دکتر محمد اسماعیل رضوانی — فاطمه قاضیها

تهران ۱۳۶۸